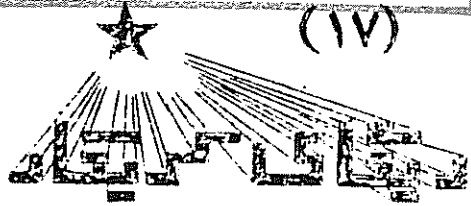


(۱۷)



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (راه کارگر)
کمیته کردستان

آموزه های دوی ریبندان

چراغی فرازاه جنبش جاری خلق کرد

در تاریخ مبارزاتی خلقها و
توده های تحت ستم روز عیاسی
یافت میشود که از اهمیت ویژه ای
برخوردارند. اهمیتی که آنها را
را به روزهای تاریخی تبدیل میکند
و روزهای تاریخی روز عیاسی هستند
که بیانگر نقطه عطفی در فرایند
بقیه در صفحه ۹

شهادت رفیق حسین قاسمی
صفحه ۸

در این شماره:

اخبار جنبش صفحه ۲۱

پاسخ به نامه ها صفحه ۲۹

نگاهی به وضعیت نظامی در کردستان

مبارزه مسلحانه یقیناً شکل
اصلی مبارزه در کردستان و توجه
بدان بعنوان تاکتیک محوری جنبش
از آنچنان اهمیت برخوردار است که
پرسی مستر آن و بازبینی تحلیلهای
گذشته و موجود در سطح جنبش را
بضرورتی میسر تبدیل می نماید.
وضعیت نظامی کردستان تا به امروز
موازنه و اوضاع موجود در هر مرحله
بقیه در صفحه ۲

اعتصاب ۲۷، عزار کارگر ساختمانهای ذوب آهن

اعلامیه کمیته اصفهان

صفحات ۱۹ و ۲۰

آزادی، استقلال، حکومت شورائی

نگاهی به ...

۰۰۰ مقطعی بشمار میروند و با توجه به شتاب تغییرات اوضاع سیاسی ایران و کردستان که حاصل وجود بحران عمومی سیاسی در سطح جامعه است تحلیل وضعیت نظامی کردستان و اتخاذ شیوه های عمل متناسب با این اوضاع وظیفه دائمی جنبش انقلابی بشمار میروند.

در سالهای اولیه پس از قیام بهمن و بعد از آغاز جنگ بین نیروهای انقلابی کردستان و رژیم فقها در اثر موازنه موجود در آن زمان و وجود ضائق آزاد گسترده در کردستان شکل جبهه ای جنگ برانداخته شد. دیگر غلبه داشت. گذشته از اینکه چسب عوامی در غلبه این شکل موثر بود و چسب نقاط صحنی در سطح جنبش انقلابی عمل می نمود که باعث گردید پیشروی دشمن بطور مستمر ادامه یابد و در نتیجه نیروی پیشمرگه نتواند در آن موازنه و با تکیه بر نیروی متمرکز خویش نیروی نظامی دشمن را از خاک کردستان بیرون براند، روند پیشروی دشمن و عقب نشینی نیروی پیشمرگه تا بدینجا ادامه یافت که اواخر سال گذشته و اوایل سال اخیر تقریباً تمامی ضائق آزاد بدست دشمن افتاد و موازنه ای دیگر در بین نیروهای متخاصم بوجود آمد.

با تغییر این موازنه آنچه باید مورد توجه جدی قرار میگرفت این بود که در موازنه جدید چه حد از تمرکز یا پراکندگی بسرای نیروی پیشمرگه ضروری است و در مقابل نیروی دشمن قادر به اتخاذ چه نیاستی تحت این موازنه خواهد بود. واقعیت اینست که طرح هر نقشه ای که از موازنه موجود ارزیابی دقیق نداشته یا بدون توجه با چنین ارزیابی صورت گرفته باشد از پیش محکم به شکست خواهد بود. اگر بدون ارزیابی دقیق یا با ارزیابی غلط برنامه ای اتخاذ شود که پایین تر از موازنه موجود باشد بسیاری از امکانات جنبش به هرز رفته و امکانات پیشروی دشمن گسترش خواهد یافت. در مقابل اگر برنامه اتخاذ شده بالاتر از این موازنه باشد نقشه نیروی پیشمرگه با شکست مواجه شده و ضحریه وارد آمدن صریح قابل توجه به این نیرو خواهد شد چرا که شکست نقشه ای که تنها بر پایه اراده استوار باشد و چشم بر واقعیات موجود بیندازد قطعاً خواهد بود. در هر دو حالت نیروی پیشمرگه از پیروزیها و پیشرویهای ممکن محروم شد و دشمن به پیروزیهای باد آورد دست خواهد یافت.

از ابتدای آغاز پیشرویهای سریع دشمن مسئله ای که در سطح جنبش مقبولیت عمیق یافت این تحلیل بود که روند اوضاع بسوی جنگ پارتیزانی سیر میکند و تحلیلهای نیز در همینجا متوقف ماند. برخی تا بدینجا

پیش میرفتند که به تکرار دائم بدیهیات و -
آموزشهای اولیه جنگ پارتیزانی می پرداختند
و دائما از حملات غافلگیرانه و عملیات
مخفیانه و ... سخن میگفتند در حالیکه
مشکل اصلی تکرار این آموزشهای اولیه نبود .
مسئله اصلی روشن نمودن موازنه موجود بین
دو نیرو و اتخاذ سیاستی مشخص از طرف
نیروهای انقلابی که به حد مشخصی از تمرکز
یا پراکندگی نیروی پیشمرگه استوار باشد که
رویه دیگر آن شناخت سیاستهایی که دشمن
در چنین شرایطی اتخاذ خواهد نمود بود .
تکرار این بدیهیات در ارزیابی (هر چند
خود بخودی) از موازنه موجود ، ارزیابی -
ای که بسیار پایین تر از واقعیات بوده ریشه
داشت .

وقتی ارزیابی ای یا بین تراز واقعیت
بوده و موازنه نیروها را بیش از آنچه واقعی
است بنفع دشمن و بضرر نیروهای انقلابی
تشخیص دهد در نتیجه نیروی پیشمرگه را
به پراکندگی ای بیش از آنچه ضروری است فرا
میخواند . این از یکسو اما از سوی دیگر
توان تعرض و برنامه های تعرضی دشمن را
نیز بیش از آنچه هست دانسته و برنامه های
غیر واقعی را از سوی دشمن قابل اتخاذ -
دانسته و اتخاذ سیاست پراکندگی کردن نیروی
پیشمرگه را در انطباق با سیاستهای افراق
شده دشمن میداند . از یکسو پیشمرگه را به

پراکندگی ای در حد گروههای چند نفره فرا
میخواند و از سوی دیگر تصور میکند اتخاذ
سیاست محاصره و سرکوب از طرف دشمن -
یعنوان سیاست اصلی خویش امکانی واقعی
است . نمونه ای از چنین درکی را در مصاحبه
حسین مراد پیگی عضو کمیسیون نظامی کوه له
که در نشریه کمونیست ۷ (فروردین ۶۲) درج
شده است میتوان مشاهده نمود . وی در آن
مصاحبه بر اساس چنین درکی به این نتیجه
میرسد که " دشمن تاکنیک محاصره و سرکوب
نیروهای ما را بصورت تاکتیکی اساسی در سال
آینده دنبال خواهد کرد . "

درکهای انحرافی و ارزیابیهای غلطی
که از موازنه موجود بین نیروهای انقلاب و ضد
انقلاب وجود داشته و همواره به اشکال مختلف
نیز خود را نشان داده و میدهد از میانسی
تحلیلی انحرافی از اوضاع سیاسی ایران و
کردستان نشأت گرفته است . عدم درک بحران
انقلابی موجود و ناتوانی در درک مختصات
این بحران را میتوان علت اصلی این مسئله
دانست . نیروهایی که درکی نادرست از
مختصات بحران انقلابی جامعه دارند وقتی
در مقابل دو سؤال مشخص قرار گرفته اند یا
یا سخگویی غلط بدانها مبنای ارزیابی غلط
خود از موازنه موجود بین نیروهای متخاصم را
بایه ریزی کرده و در ادامه تحلیل خود به
ارزیابی ای یا بین تراز موازنه موجود دست

یافته اند. مسئله اول تشخیص مسئله محوری رژیم جمهوری اسلامی است. با پکرآت مسلان مختلفی کد جمهوری اسلامی با آنها دست به گریبان است را تحلیل کرده و گفته ایم که این رژیم در پاسخگویی به معضلات موجود و برای پاسخگویی به بحران عمومی سیاسی جامعه ناگزیر از معطوف کردن بحران به بیرون بوده و از اینرو دست زدن به جنگ با عراق و تداوم این جنگ را برای آن همچون نان و آب دانسته ایم. رژیم جمهوری اسلامی با ادامه جنگ با عراق میخواهد بر ناتوانی خود در پاسخگویی به بحران موجود در جامعه سرپوش گذاشته و سرکوب توده ها و نیروهای انقلابی را توجیه نموده و برده بر تضادهای درونی خود کشیده و در یک کلام با معطوف کردن بحران به خارج ادامه حیات ننگین خود را تداوم بخشد. از اینرو جنگ با عراق مسئله محوری رژیم بوده و همواره بر محوری نمودن آن تکیه نموده است. رژیم ارتجاعی فقها برای تثبیت حاکمیت خود در جامعه میکوشد اما بحران عمیق سیاسی چنین توانایی را از او سلب نموده و در مقابل در برابر سقوط قریب الوقوع قرارش داده است. بی تردید اساسی ترین مسئله رژیم تثبیت حاکمیت خویش در پالای سرکارگران و زحمتکشان و خلقهای سراسر ایران است ولی ناتوانی رژیم در این تثبیت او را بر این

میتواند که بکند ادامه جنگ با عراقی زدن را بدفع خود خرید و در بدر بدنیال شرايطی که تحت آن بتواند حاکمیت خود را تثبیت نماید بگرداند. از اینرو جنگ با عراق به مسئله مقدم این رژیم تبدیل شده است چرا که سرکوب توده ها و تداوم آن تا بدانجا که شرایط برای تثبیت رژیم فراهم شود خود تساهله و نه زیادی در گرو ادامه جنگ است. اما پاسخ نادرستی که به این مسئله داده میشوند پاسخی که در بین نیروهای فعال در کردستان عمومیت داشته و به اشکال مختلف نیز خود را نشان داده اینست که با توجه به وزن و اهمیت نقش جنبش خلق کرد و تبدیل شدن آن به دژ مقاومت در برابر جمهوری اسلامی سرکوب این جنبش مسئله اصلی رژیم بوده و در نتیجه در مجموعه برنامه های خویش برای آن الویت قائل شده و میتواند نیروی اصلی خود را در سرکوب این جنبش یکبار گیرد. چنین تصویری با این مقدمه چینی که دولتمن ایران و عراق بالاخره قادر به کار آمدن با یکدیگر هستند چرا که علوتاً بسا یکدیگر تفاوت چندانی نداشته و هر دو در برابر خلق کرد (چه در ایران و چه در عراق) سیاست واحدی دارند به این نتیجه میرسد که آنچه برای رژیم جمهوری اسلامی در الویت قرار دارد سرکوب این جنبش است. اما در دنیای سیاست معادلات ایس چنین

خطی و یک پنداری نیست. مسئله مقدم بر رژیم فقها را باید طی بررسی همه جانبه از مجموع عوامل موجود در ریاست و همانگونه که اشاره نمودیم مجموعه این عوامل جنگ با عراق را به مسئله اصلی رژیم تبدیل نموده است. درک انحرافی از مقدم بودن سرکوب جنبش مقاومت (که گاه نیز خود را به شکل مقدم بودن سرکوب مقاومت سراسری برای رژیم خود را نشان میدهد) غالباً با این نگرانی نیز دست به گریبان است که نکند توافق بین رژیم ایران و عراق صورت گیرد و نیروهای خصم یکپارچه بسوی کردستان سرازیر شوند. در حالیکه ادامه جنگ با عراق برای رژیم فقها تا بدانجا به مسئله حیاتی تبدیل شده که سرکوب جنبش مقاومت (و ایضاً جنبش سراسری در این مقطع خواه در گزرتداوم جنگ با عراق است. چنین درکی وقتی تمامی امکانات و توانایی ها و نیروهای مسلح رژیم فقها را در برابر جنبش خلق کرد قرار میدهد با این تصور که رژیم چه در صورت پایان دادن به جنگ با عراق وجه قبل از آن میخواهد و میتواند بخش اعظم توان خود را در برابر سرکوب خلق کرد بسیج نماید ناگزیر به ارزیابی بایستی تراز واقعیت در تشخیص موازنه موجود

بین نیروهای جنبش مقاومت و رژیم دست پیدا میکند، بکارگیری عالی ترین نوع سیاست محاصره و سرکوب از طرف رژیم را ممکن دانسته و در مقابل سیاست هر چه پراکند تر کردن نیروی پیشمرگه را تجویز میکند. اما در واقعیت رژیم فقها نه میخواهد و نه میتواند که چه تمام وجه بخش اصلی نیروی خود را در کردستان و بر علیه خلق کرد بکار گیرد و در صورت پایان یافتن جنگ با عراق نیز بحران معطوف شده به خارج آنچنان در درون جامعه و در سرتاسر اجزای آن خود نمایی کرده و گسترش خواهد یافت که در آن حالت نیز رژیم جمهوری اسلامی ناتوان از جنبش بسیجی در برابر خلق کرد خواهد بود. مسئله دوم ارائه درکی درست از توان بسیج نیروی رژیم فقها و بطور اخص توانایی رژیم در بسیج نیرو بر علیه خلق کرد است. پاسخ گویی به این مسئله مستقیماً در ارتباط با پاسخی که به مسئله اول داده شده مربوط میگردد. بدین ترتیب که با تشخیص درست از مختصات بحران انقلابی و مسئله محوری رژیم میتوان دریافت که رژیم فقها حداکثر توان و نیروی را که توانایی بکارگیریشان در کردستان را داشته است بر

خود مختاری حق مسلم خلق کرد است

علیه خلق کرد بسیج نمود و بدینگونه در بحران مد برد
نیروی به مراتب بیش از آنچه هم اکنون در کردستان
مستقر است را در اینجا بکار گیرد. بخصوص وقتی به
فزاینده گی جنبش توده ای چه در کردستان و
چه در سراسر ایران توجه کنیم در خواهیم یافت
که توانایی رژیم نسبت به آنچه هم اکنون قابل
مشاهده است دائماً کاهش یافته و آن را از دست
زدن به تعرضات و بیرشهای به مراتب بیش از آنچه
در حال حاضر بدان دست میزند ناتوان تر خواهد
شد. هم اکنون رژیم حداکثر توان و اعتماد ممکن خود
را در کردستان بکار برده و اینهمه یا بگه و مقرر
و امکانات و مزد و پرداخت اگر چیزیست که میتواند در
کردستان برآکند، ساخته و بکار اندازد.
برکسی پوشیده نیست که رژیم در حاکم
بسیار با لایستی امکانات و نیروی خود را به
کردستان اختصاص داده است و مقابله با
این نیروی قابل توجه به برنامه ای دقیق و
تاکتیکیهای سنجیده ای که قادر به بکسار
گیری از حداکثر توانایی های جنبش مقاومت
باشد نیازمند است. اما در مقابل باید این
واقعیت را نیز پذیرفت که در شرایط حاضر
و فعلیتی که در آن بسر میبریم ما با آن توان
و نیرویی از دشمن روبروئیم که باید آنرا
حداکثر توان بسیج نیروی دشمن در
برابر جنبش خلق کرد حساب آورد
و چه بسا این حداکثر را یماً تقلیل یابد
و تقلیل آن تا حد و زیادی به برصافه

و تاکتیکیهای جنبش نیز بستگی مختصراً به
داشت
تلفی نادرستی که در این رابطه در
سخن جنبش عملکرد داشته است توان بسیج
نیروی دشمن را به مراتب بیش از آنچه هست
دانسته و تصریح می کند رژیم جمهوری اسلامی
میتواند از مجموعه نیروی خود هر آنچه
خواست را در کردستان بکار گیرد. چنین
ارزیابی ای که بردن نادرست از مختصات
بحران انقلابی جامعه استوار است همواره
رو بسوی پذیرش رکود در جنبش سراسری داشته
و به اشکال شرمگینانه مسئله رکود را در رابطه
با جنبش سراسری (منتهی تحت عنوان رکود
نسبی و ۰۰۰) مطرح نموده و گاهی نیز
مستقیماً یک پای تحلیل موازنه موجود در
کردستان را بجز وجود آمدن رکود در جنبش
سراسری دانسته است. برای نمونه میتوان
از مقاله "خروج کامل و بدون قید و شرط قوای
اشغالگر جمهوری اسلامی از کردستان
خواست طبقت کارگراست" درج در نشریه
"کارگر کمونیست" ۱، مثال آورد که در آنجا
برای تعیین شعار محوری برای کردستان به
"رکود و تحرک جنبش انقلابی سراسری"
توسل جسته. یا ریگای گه لای کسه
برای اثبات غلبه شکل پارتیزانی
در کردستان میگوید: بسا رکود نسبی
بر جنبش سراسری

توده ای و اشغال بسیاری از ساطق کرد س
توسط رژیم شکل پارتیزانی پیرین از پیش شکس
عده جنگ در کردستان میگردند * (تاکیدات
از ما)

ناتوانی درک علل تداوم جنگ باعراق
توسط رژیم خمینی و تداوم این علل تحلیل
برخی از نیروهای سیاسی را تا بدانجا نیز
پیش برده است تا بدین نتیجه برسند کسه
رژیم فقها به اهداف خود در رابطه با این
جنگ دست یافته و دیگر در جهت پایان داد
به جنگ و برقراری مصالحه با عراق حرکت
میکند . رویه دیگر این درک اشتباه که جنگ
با عراق را بعنوان مسئله محوری رژیم
نمی شناسد اینست که تصور میشود رژیم
در صورت پایان دادن به جنگ قادر بسه
اکثر نیروهای خود بر علیه خلق کرد خواهد بود و
در نتیجه موازنه نیرو شدت بضرر جنبش مقاومت
تعمیر خواهد کرد . بطور خلاصه این درک کسه
مختصات بحران انقلابی موجود در جامعه رانص
شناسد ، جنگ را مسئله مقدم رژیم نمیدانند ندیی
برای تداوم جنگ توسط رژیم فقها پیدا نمیکنند و
یا یان جنگ را قریب الوقوع میدانند ، در صورت
یا یان جنگ نیروی رژیم را آزاد شده دانستسو
تصور میکند تمامی این تیر و قابل بسیج بر علیه
جنبش مقاومت خواهد بود . در نتیجه از یکسو
تثبیت رژیم و بوجود آمدن رکود در جنبش سراسری
را محتمل دانسته و از سوی دیگر تعمیر موازنه

نیرو بضرر جنبش مقاومت را به این احتساب
می افزاید . نمونه ای از چنین برخوردی را
در " ریگای که ن هلا " میتوان مشاهده نمود .
در آنجا طی مقاله ای تحت عنوان " اهداف
رژیم جمهوری اسلامی از جنگ و چشم انداز
تحولات آینده " برای بررسی این مسئله که
تا چه حد زمینه های عینی توقف جنگ وجود
دارد و عواقب آن چیست؟ " پس از طرح اینکه
" روشن میگردد که رژیم طی این جنگ چگونه
به اهداف اصلی داخلی خود دست یافته
است و تا چه حد این جنگ به دوام و بقا
آن مدد رسانده است " (و این معنای جز
تثبیت رژیم و بوجود آمدن رکود در جنبش
توده ای را در بر ندارد) به اهداف خارجی
رژیم در این جنگ پرداخته و میگوید " یک
مجموعه عوامل مانع از آنست که رژیم بتواند
به این هدف خود دست یابد " و بالاخره
نتیجه میگیرد که " امروزه کلیه این عوامل [یعنی
دست یابی به اهداف داخلی و ناتوانی در
دست یابی به اهداف خارجی] دست
اندر کارند که رژیم جمهوری اسلامی را وادارند
که جنگ را متوقف سازد . " و بالاخره پس از
طرح چشم انداز قطع جنگ از طریق توافق
بین دولتهای ایران و عراق به این نتیجه
نیز میرسد که " در مورد کردستان نیز وضع
بر همین ضوال است . اگر توافق مشترکی برای
مربوب جنبش خلق کرد صورت نگیرد کسه

مهم‌نمایی‌ها در رزم حسین قاسمی

اسلامی قرار داشت لیکن با مقاومت طولانی و پهلووانانه اش پوزه درخیمان سفاک را در برابر اراده استوارش به خاک مالید و آخرین فصل زندگی پر بارش را که تماماً وقف مبارزه انقلابی و کمونیستی نموده بود با حاسه ای پر شکوه بسه پایان آورد. یاد پسر سرور و رشاد و دانه یاد ما در آید به نزد یک زندگیا که رفیق شهید ما می‌باشد در ارگان سراسری سازمان دین خواهیم کرد.

(به نقل از نشریه "راه کارگر" ارگان سراسری)

طبق اطلاع واصله روز ۲۲ آبان ۶۲ خاگما جلایا پیکار جمهوری اسلامی و رفیق حسین قاسمی (رفیق بهرام) کمونیست ثابت قدم را که در صفت اول کادرهای قدیمی و رزمند و جنس کمونیستی میهن ما قرار داشت به جوخه های اعدام سپردند رفیق حسین قاسمی که در زمره کادرهای برجسته و موسس سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بود و بیش از یکسال در زیر وحشیانه ترین شکنجه های جسد آن جمهوری

هم اکنون هست می باشد (یا نگران چنان بسیج نیروی بوسیله رژیم و مساز قطع قریب الوقوع جنگ هستند).

مطمئناً صورت خواهد گرفت. رژیم جمهوری اسلامی بخش عظیمی از نیروهای سرکوب و نظامی اش را به سرکوب جنبش خلق کرد اختصاص خواهد داد.

در هر حال این دو عامل یعنی عدم درك مسئله اصلی رژیم عدم درك محدودیت توان بسیج نیروی دشمن آن عواملی بشمار میروند که در بسیاری موارد نیروهای سیاسی را به ارزیابی پایین تر از واقعیت از موازنه نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در می غلتند یا جنبش ارزیابی ای ظبطاً هم باید پراکندگی بیش از آنچه ضروری است به نیروی مسلح کردستان توصیه شود و اتخاذ سیاست محاصره و سرکوب و بنظر آن سیاست اصلی رژیم نیز یک مکان و اتمس "تلفی" گردند. این آن چیز است که در مصاحبه حسین مراد بیگی عضو کمیسیون نظامی کوه لاله (در نشریه کمونیست ۴) آشکارا بیان گشته است.

(ادامه دارد)

(نقل قولها از متن مقاله مزبور است)
 ناتوانی در درك مختصات بحران انقلابی موجود در جامعه و در نتیجه آن عدم تشخیص مسئله جنگ بعنوان مسئله محرری رژیم برخی نیروها را به این تحلیل نزدیک میگرداند که جنبش تسوده ای سراسری در چسار رکود گشته است (پس از حادثه شدن آن را در گروه قطع قریب الوقوع جنگ میدانند) و بر این اساس از یکسو به این تصور در میغلند که مسئله اصلی رژیم را مسئله کردستان دانسته و از سوی دیگر می پندارند که توان بسیج نیروی رژیم علیه جنبش خلق کرد بسیار قزتر از آنچه

دوی ریبنندان

... برود مبارزات توده های مردم در سیسیر جریان - در مجمع پیشرونده تاریخینان میاشد. روز دوی ریبنندان (دوم بهمین) از همین روزهای تاریخی خلق، تحت ستم و مبارز کرد و یاد آور پیروزی چشمگیری یادماندنی این خلق مبارز است که در اوج بی نظیر بود یک توان منحص قوای پیروزی و درزی توانست حکومت خود مختار خود را اعلام دارد.

پیروزی توده ها - یعنی رسیدن به جامعه ای بد و راز ستم طبقاتی - حکم تاریخ است. اما توده ها برای دستیابی به پیروزیها بازگشت نباید بوقطعی در این راستا، تنها با درگیری از پیروزیها و نکستهای تاریخی، میتوانند گذشته را جوار آینه سازند تا با روشنی بخشیدن به راهی که باید با گامهای استوار از پیچ و خمهای آن عبور نمود، از لعرشها ریزود رشت برهیز نمود و رله ساری ترقی و تکامل را یکی پس از دیگری و یاد دستیابی به پیروزیهای هرچه شکوه مند تر بیابند. دوی ریبنندان از جمله همین روزهای برجسته در تاریخ خلق کرد است، که تحلیل نقاط ضعف و قوت آن میتواند چراغی برای مبارزه جاری این خلق بیاخته گردد.

جمهوری خود مختار کردستان در و م

بهمین ماه سان ۱۳۲۹ در شرایطی که رژیم ارتجاعی - سلطنتی مرکزی ناتوان شده بود، با پشتیبانی توده های نیاخوانسته خلق کرد، برهبری حزب دمکرات و در رأس آن قاضی محمد اعلام موجودیت کرد. آنچه این جمهوری داشت شرف مبارزاتی رهبران بود و شترانه حمایت توده ای عظیم و شرایط مناسب خارجی که امکان شدت انقلا ب توده ها را تا حد تا سیس چنین حکومتی فراهم آورده بود. اما آنچه این جمهوری نداشت، عدم سازماندهی تسوان و انزود انقلابی توده ها در جهت استفاده از شرایط فرا هم آمده خارجی و تحکیم و گسترش پایه های آن بود.

اتکاء به پشتیبانی سازمان نیافته توده ها و امید بستن به تداوم شرایط مناسب خارجی، یا شنه آشیل جمهوری خود مختار کرد سبسان گردید. یا شنه آشیلی که از عدم توجه به سازماندهی توده ها و تلاش در جهت ایجاد تشکلهای توده ای نشأت می گرفت و همین یا شنه آشیل بود که با برهم خوردن شرایط خارجی و پیوستن نیروهای حکومت مرکزی مورد سرب قرار گرفت و جمهوری خود مختار کردستان نتوانست در مقابل تهاجم نیروهای سرکونگ رژیم سلطنتی آن زمان آنچنان که شایسته و بایسته بود مقاومت نماید و بهمین دلیل پیروزی یا دار نماند و در خون نشست.

اکنون خلق کرد، سی و نهمین سالگرد



دوی ریه ندان را در شرایطی برقرار میکند که طی مبارزات پیگیر و خونین چند ساله اخیر خود همواره همان ضعف اساسی - عدم تشکّل و سازمانهای توده ای - بوده و هست. بهمین دلیل نقد ضعفهای جنبش آلمان، نقد دوی ریه ندان، میتواند زمینه نقد ضعفهای جنبش جاری خلق گردد.

واقعیت اینست که سطح مبارزات توده ها مستقل از اراده نیروهای سیاسی و در اثر عوامل ضعف اقتصادی و اجتماعی تعیین میگردد، اما نیروهای سیاسی، که هر یک نماینگی طبقه یا گرایش از یک طبقه را برعهده دارند، میتوانند بروی این مبارزات تاثیرات سازنده یا مخرب بجای بگذارند. وظیفه نیروهای انقلابی در راستای به پیروزی رسانیدن هر جنبش توده ای - منجمله جنبش جاری خلق کرد - عبارتست از سازماندهی توده ها در سطح و ایجاد گستردگی چرا که تنها در این صورت میتوانند انرژی واقعی توده ها را در جهت رسیدن به اهداف انقلابی بکارگیرند و از به هرز رفتن آنها جلوگیری نمایند.

تردیدی نیست که محور اصلی مبارزات جاری خلق کرد مبارزه مسلحانه است. اما در این نیز تردید نباید داشت که مبارزه مسلحانه تنها یک پایه مبارزات کمونی خلق کرد بوده و پایه دیگر این جنبش را مبارزات سیاسی تشکیل میدهد. چرا که بخش عظیمی از توده تشاد در مقاطع خاص - مثلاً در مقطع قیام - خاصریه

سازمانهای مسلح را میتوان در هم کوبید، اما توده متشکل را نمیتوان درهم شکست. این درسی تاریخی است که دوی ریه ندان و پیامدهایش بر آن صحنه گذاشت. اما هستند کسانی که یا هنوز این درس را فراموش کرده اند و یا آنرا با تعابیر نادرست دریافته اند. نمونه این عدم توجه را میتوان در مقاله "جنبش کردستان و جنبش سراسری" درج در شماره ۱۰ - انشیره

(همانجا تاکید از ماست)

تردیدی نیست که حزب دمکرات ، چه به لحاظ نیروی مسلح و غیر مسلحی که در اختیار دارد ، چه به لحاظ پایگاه توده ای اس بزرگترین نیروی سیاسی در کوردستان است . اما در این نیز نمیتوان تردید داشت که این حزب ، تنها نیروی سیاسی در کوردستان نبوده و از آن بهتر اینکه نیروی سازمان یافته این حزب نسبت به کل خلق کرد جمعیت و نسبت ناچیزی را تشکیل میدهد . از طرف دیگر حتی اگر غرض را برای بگیریم که اکثریت توده های کرد نیز هوادار حزب دمکرات باشند ، صحبت بر سر عدم سازمان نیافتگی آنها و عدم توجه نویسنده نه تنها نسبت به ضرورت سازماندهی آنان بلکه به طریق اولی نسبت به ضرورت سازماندهی تمامی خلق کرد است .

توده های مردم ، حتی اگر اکثر آنها هوادار کلی حزب یا سازمانی هم باشند ، تا آینده های نه چندان نزدیک ، حاضر یا قادر به ورود به آن سازمان یا حزب - به شکل تشکیلاتی آن - نبوده و اکثریت آنها خارج از احزاب و سازمانهای سیاسی به زندگی خود ادامه میدهند . اما این امر

کوردستان " بوضوح دید .

نویسنده مقاله پس از مقدّماتی که ملّ وارد بحث چند وجوهی یا حد صحت و سقم آنها نمیشوم ، با ابراز ناراضی و ناخشنودی از نیروهائیکه به عدم سازماندهی توده ها در کوردستان انتقاد داشته و آنها نقطه ضعفی برای جنبش کمونی میدانند ، مینویسد : " البته ما هرگز مدعی نمیشوم که گویا جنبش خلق کرد عاری از هر نوع عیب و نقصی است . لیکن در همانحال به یقین میتوان گفت که این جنبش جنبشی است نیرومند ، دارای برنامه ، رهبری و سازماندهی در حد مطلوب " (کوردستان ، شماره ۱۰۱ ، صفحه ۲۸) .

تا آنجا که از مجموعه حال و هوای مقاله برمیآید ، نویسنده مقاله خلق کرد و حزب دمکرات را یکی میگیرد و بهین دلیل آنها را در مقاله مترادف و معادل یکدیگر یکبار میبرد . بدین ترتیب وقتی حدی از سازماندهی را در حزب دمکرات و نیروی مسلح توده ای تحت فرماندهی مشاهده می کند ، بلافاصله این نتیجه را میگیرد که خلق کرد و جنبش خلق کرد " دارای برنامه رهبری و سازماندهی در حد مطلوب " است .

پیش بسموی سازماندهی تشکلهای توده ای

بنا بر این روشن میشود که عدم وجود سازماندهی
توده‌های وسیع در کردستان تاچه حد مانع از
بکارگیری انرژی انقلابی توده‌ها شد و در نتیجه
تشکلهای توده‌ای، تاچه اندازه محدودی
از این انرژیها عظیم و غلیظه سلطه و پیشروی ضد
انقلاب مفاهقی استفاد شده .

اما بن توجه نویسنده اهمیت سازماندهی
توده‌ها به همینجا ختم نمیشود که من افزایش
" اگر در این رهگذر عمیق و ناقص متوجه جنبش
باشد و آنرا باید در این واقعیت جستجو کرد که
امروز کمتر در فکر ذخیره نیروی خود بوده است
و برآستی اگر نظری منصفانه داشته باشیم بهیچ
انتظار نخواهیم داشت که مردم کردستان از این
حد هم پیشترین به مبارزه بدهند و از این بیشتر
قریبانی تقدیم کنند و از این بیشتر بر بیگانه
ضربه بزنند و بالاخره از این بیشتر جان و مال
خود را فدای آزادی و موکراسی و خود مختاری
بکنند؛ (همانجا) از این حرفها چه در فهمیم ؟
اگر خوشبینانه به این مطالب نظر انداخته
و این استنباط را تکمیل که این حرفها پیش از آنچه
بوی دلسوزی بدانه بدهد و بوی ترویج و
اشاعه سیاست انتظار میدهد و حاشا فلین ایست
نویسنده " کردستان " که مروج چنین سیاستی
باشد ! — نمیتوان حداقل این واقعیت را
شد که نویسنده همانگونه که ضرورت سازماندهی
توده‌ها را در نمیا بداند و در نتیجه بداند که تنها
سازمان یافته است که میتواند انرژی واقعی

ناهی این نیست که توده‌های مردم — متناسب
یا سطح جنبش — حاضر و قاد رند در محل زندگی
یا کار خود به مبارزه بپردازند . سازماندهی ایسی
توده‌های عظیم و مستقل از اینکه اصولا عضو
هواد از حزب یا سازمانی باشند یا نباشند و تنها
در تشکلهای توده‌ای مناسب و خاص خود امکان
پذیراست اما نویسنده مقاله " جنبش کردستان
... " به این واقعیات توجه ندارد و نمی بیند
که در کردستان این سازمانهای توده‌ای در بسیاری
از مناطق از جمله شهرها یا اصولا وجود ندارند و
آنجا که وجود دارند تاچه حد غیرفعال و بدون
پرمایه و غالباً بدون پیوند با توده‌های مردم عمل
میکنند اما نویسنده نه تنها چشم بر این واقعیات
می بندد و از آنجا که از سازماندهی توده‌ای مردم
در صحنه " راسم فهند و سازماندهی توده‌ها را
در کردستان در حد " مطلوب " ارزیابی میکند و
بلکه با اضافه کردن اینکه " دربارهای موارد حتی
بیش از توانائی توده‌ها از نیروی آنها استفاد
شده است " بن توجهی خود را نسبت به رابطه
ایکه میان سازماندهی توده‌ها و استفاد و هر
چه بیشتر از انرژی انقلابی آنها برقرار است .
بعبیان نشان میدهد .

همبستگی سازمان یافته توده‌ها قدرت بیشتری
را در مقابل نیروهای شکننده موجب میگردد و
این تفاوت که مورد مورد توده‌ها و از آنجا که جمع
تشکل یافته آنها از آحاد انسانی است قدرتی بیشتر
از جمع جبری نیروی تک تک آنها را بوجود میآورد

مبارزاتی خود زانسان کند و بهین ترتیب
 نمیتواند دریابد که اولاد هیچ نیروی سیلی نمیتواند
 ند و نباید بود و هارا واد اره مبارزه نماید و تانیا
 اتفاقات بود و سازمان یافته و متشکل و بهمان
 اندازه که میتواند انرژی انقلابی خویش را در
 حد بالایی و در جهت مبارزه بکار بیاندازد و بهنگام
 اندازه نبره بتواند جلوی حسارت وارد به بییکسر
 خود را بگیرد و آنرا در طی مبارزه به حداقل برساند
 این برابطه ایست مستقیم میان حد سازمان
 یافتگی توده ها با قدرت و توان مبارزاتیشان و با
 به حداقل رسانیدن حسارت و تلفاتشان .
 لزومی به ندره بین خواندن کتب متعدد
 نیست تا انسان به رصوح ببیند و دریابد که توده
 های خلق کرده در شهر روز رستا با تمام وجود
 باگوست و خون خود در غشی و حیوان عقور رژیم
 نقهار احس کرده اند و بهین دلیل طی سالین
 گذشته با ما به گذاشتن از جان و مال خود در
 مقابل حاکمیت و پیشروین به مقاومتی شجاعانه
 و حماسه آمیز دست زده و در این راه هیچگاه
 حمایت خود را از جنبش سلحانه و درجهست
 تداوم بخشیدن به آن دریغ ننموده اند .
 رژیم پنهان را آغاز بروی کار آمدنش همواره
 کوشیده سیاستهای ارتجاعی و سرکوبگرانه اش
 را بصبر گوناگون و در کار سرکوب عریان به بیس
 برد از تحصیل حجاب اسلامی گرفته تا تحصیل
 مذهب حکومتی و سر باز گیری اجباری و تحلیه
 اجباری روستاها و انهدام شهرهای روستائی و

تشکیل شهرهای دست نشانده اسلرمی و
 ایجاد نهاد های ارتجاعی و . . . تلاش برای
 بازین گرفتن آنچه توده هاد رطون انقلاب
 بدست آورده بودند . خلق کرد نیز در مقابل این
 سیاستهای ارتجاعی و برای آزادی و حق
 سرزشت خویش و عرنشتر از حمایت بیدریغ از
 جنبش سلحانه و دست به مبارزه در اشکال
 و ابعاد گوناگون از قبیل تحصص و تظاهرات و
 تحریم و . . . خلاصه تمام سوری که میتوانسته
 عدم تمکین مخفی و یا علنی خود را به تبهت برساند
 دست به مبارزتی بیگیر زده است و باز هم احتیاج
 به ادوات و ابزار دقیق یا "اشو برداری" از
 کتب نیست تا دریافته شود که نسبت به سطح
 توان مبارزاتی جاری خلق کرده تشکلهای
 توده ای تا چه حد ناچیز است و توده های
 مردم تا چه اندازه برای زمین بردی هر چه
 قدر تند تر مبارزاتشان برای دستیابی به
 اهدافشان احتیاج به آنها ندارند . کافیست
 چشمهای خود را باز کنیم تا ببینیم ۱۰۰۰۰
 آنجا که نویسنده ما قدرت خیره نگرستن در
 این واقعیات را ندارد به این نتیجه میرسد
 که جنبش خلق کرد سازماندهی و رهبری خود
 را دارد و به آنجا میرسد که نمیتوان بیس
 از این مردم انتظار مبارزه و . . . اداکاری
 را داشت و علاوه آنجا کشیده میشود گسه
 نباید ا و همینجاست که نتیجه میشود گسه
 بنا بر این احکام . . . به خود اجازت
 نمیدهم که باز هم از مردم کز ستان گله مند

شوراهای محلات و از میوند آنها شوراهای شهر و هر تشکل صنفی یا سیاسی را، در روستاها تا آنجا که منطبق و انقلابی است، شوراهای علفی و تا آنجا که غیر ممکن است انقلابی باشد، شوراهای مخفی را ایجاد کنیم و بکوشیم یا هر چه توده ای تر و رادیکال کردن آنها، از بهزر رفتن انرژی انقلابی توده ها جلوگیری نماییم. بکوشیم با دادن رهنمودهای درست و به موقع و سازماندهی مبارزات مردم - هر جا که مبارزه ای هست - آنها را در مقابل با رژیم و سیاستمدان ارتجاعی یاری رسانیم. بدین ترتیب بکوشیم زمینه های پیروزیهای هر چه قطعی تر را فراهم آوریم و با این عمل دوی رینسدان و آموزه های تاریخی آنها در عمل ارج بگذاریم.

پاسخ به ...

... آن جنبش در حوزه خاص خود (فرهنگ) اهمیت خاص دارد. نیروهای انقلاب و فعال در جنبش نیز باید در این رابطه انرژی اختصاص دهند. ما هم سعی میکنیم در این زمینه شرکت فعال نمائیم. و به اینوسیله در عین حال بتوانیم پاسخگوی نیاز کسانی که به فارسی مسلط نیستند باشیم و هم بتوانیم حوزه بخش نشریات را تا بخشهای دیگر کردن استان که رهمجوری با کردستان ایران هستند گسترش دهیم.

باشیم! حال آنکه صحبت گه گی از مردم کردستان در میان نیست بلکه صحبت از انتقاد و عدم توجه به سازماندهی توده ها و تلاش در جهت ایجاد تشکلهای توده ای از طرف سازمانهای رهبری کننده است. اگر صحبت از "گه" در میان باشد، این خلی مردم کردند که بخود حق میدهند از از نویسنده مقاله "جنبش کردستان و جنبش سراسری" بخاطری توجهی به سازماندهی توده ای گله مند باشند بویژه اینکه این مقاله در نشریه "کوردستان" ارگان مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران - که وارث بلافعل رهبریت دوی رینسدان است - نوشته و منتشر میشود. حال آنکه حزب دمکرات است که باید پیش از همه از دوی رینسدان و اشتباهات آن بیاموزد و آموزه هایش را در عمل بکار بندد. بویژه آنکه جنبش کمونیست با کیفیت و کمیتی بالاتر از ۲۹ سال پیش خود جریان دارد و جز این نیز نمیتوان انتظار داشت.

در سی و نهمین سالگرد تأسیس حکومت خود مختار کردستان، "دوی رینسدان" را گرمی بدارم و با تلاش در جهت سازماندهی تشکلهای توده ای، در ایجاد وسیع و گسترده، توش و توان مبارزاتی خلق کرد را هر چه پارو تر و قدرتمند تر به میدان مبارزه ای که در آن قرار دارید بکنانیم. در شهر

تلاشهای رژیم...

کند و بر این مینا - تحلیل وضعیت جنبش و جمع‌بندی تجربیات آن و سیاستهای رژیم - میتوان کوه استوار اراده جنبش بود و ای را در مقابل تلاش رژیم برای پیشبرد سیاستهای در منطقه به دزی تسخیر نماید بریدن نمود و وظیفه ای که همواره در مقابل همه نیروهای سیاسی و بشروان این جنبش قرار دارند افشای روابط با اهداف و سیاستهای رژیم در هر مورد و در برخورد به هر موضوعی است. چرا که نبود توهم و ترس نیست در رژیم در بین توده های خلق کرد از ابتدا تا کنون و از نقاط قوت برجسته مبارزات انقلابی کردستان بوده و هست. پس باید با تلاش مداوم برای افشای سیاستهای رژیم، امکان کسب هر گونه موفقیت سیاسی حتی منقطع و محدودی را از رژیم گرفت و در نهایت جنبش را برای مقابله با آن آماده ساخت.

ضرورت و اهمیت این مسائل از این واقعیت برمی خیزد که رژیم جمهوری اسلامی نیز همچون تمامی حکومتهای صدامتقلابی ناچار است در تقابل با مبارزات توده های بزرگ بستر طولانی و بحرانی در عملیات کشنی کردستان در کار محور اصلی سیاستش - مرکب عربان - رژیم و نریشهای سیاسی را بعنوان رجه تکمیلی سیاستش بکار بندد تا بدینوسیله بتواند در صفوف جنبش شکای ایجاد

کرد و با تکیه بر تائید اصالی مبارزه در کردستان و یگاری نریشهای سیاسی در سایر حوزه ها - چون محوری مبارزه - مبارزه مسلحانه - رابده انزوا کشیده و بنا برود سازد و سپس با انواع خاطر به سرکوب مبارزات توده ها در حوزه های دیگر بپردازد. نبود هار جلوه های مختلف آنرا میتوان به وضوح در دوره اخیر رحرورد های رژیم به مسئله زندانیان ساسی و در برخوردش به بریدگان از مبارزه مسلحانه و تفاوت برخوردش در ذرا حیر نسبت به گذشته در رابطه با مناطقی که به اشغال در می آید ملاحظه کرد.

همچنانکه اشاره شد این سیاست در عرصه های مختلفی تا کنون از سوی رژیم بکار گرفته شده و همچنان نیز رژیم در این تلاش است که با گسترش این سیاست در حوزه های دیستر و پیچیده کردن آن به ناصد انقلابی اس جامعه عمل بپوشاند. از آنجائیکه جنبش انقلابی کردستان همچنان در مقابل تمامی تعرضات و تانکیکهای رژیم ایستادگی میکند و یگاری و استوار از خواستها و حقوق خود به دفاع میرد از رژیم زمین از دستبرد سیاستهای خود در منطقه ناچار راه هر دو می یزند تا بلکه بتواند از شر این به اراده و توان جنبش حلقی وارد نماید و به موفقیتی سیاسی دست پیدا کند.

از موارد برجسته این در بدری رژیم تلاش هائش است که احیاً برای سازمان دادن و ایجاد احزاب و تشکلهای سیاسی در

نشاندند در کردستان به عمل می آورد. رژیم می کوشد با فراهم آوردن هرچه بیشتر شرایط برای روی آوری بریدگان و واباندگان از مبارزه به سوی خود و صفوف جنبش را تضعیف نمود. در روحیه تسلیم طلبی و سازش رادریین جنبش رواج دهد. غافل از اینکه جنبشی که به اراده توده های میلیونی خلق کردتکیه زده باشد با بجای گذاشتن سنگرش و مبارزه از سوی مسعود به تنگ آمدگان کوچکترین خلقی در راه غرضش پدید نخواهد آمد. غافل از اینکه تا زمانیکه این مبارزه بردوام است، تا زمانی که رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی برسر قدرت است و در کردستان پای بر حقوق این خلق نهاد میداند و فضای مبارزاتی این منطقه هرروزه جوانان برونزد و کارآمدی را برای برگردن بیش از پیش سنگرهای انقلاب در دامان خود خواهد پروراند.

رژیم ندارد امه این سیاست و گسترش آن میکوشد با تطمیع این وارثگان دست به تلاشهای برای متشکل کردن آنها بزند تا بتواند این امر را به زمینه بهره برداری سیاسی وسیع تری نسبت به تسلیم شدن انفرادی - در سطح جنبش تبدیل نماید. با برقراری تا سه ساله مذاکراتی با این افراد - بخصوص کسانی که سابقاد جنبش شناخته شده بودند - در ارومیه

و حتی برخی از آنان به تهران آنان را هرچه بیشتر به خود نزدیک نماید و برای بهره برداری های خود از آنها استفاده نماید. در جریان این تماسها عوامل رژیم با آنها در میان میگزاردند که رژیم قصد دارد برای حل سیاسی مسئله کردستان دست به اقداماتی بزند و راه حل آنرا در ایجاد یک تشکل سیاسی دست نشانده میبیند. به آنها پیشنهاد میکند که یک کنگره رژیم و باعتبار شناخت و تجربه شان از وضعیت و مسائل خاص کردستان آنها برای ایجاد این تشکل یا حزب سیاسی تلاش کنند. تا در ادامه آن رژیم بتواند تحت عنوان پیشبرد راه حل سیاسی برای مسئله کردستان با آنها بعنوان نمایندگان سیاسی جنبش بر سر میز مذاکره بنشیند. از قرار معلوم طرح مذکور از سوی قرارگاه هیزه تعقیب شده و از شواهد چنین برمی آید که حرکت سیاسی برای حل مسئله کردستان در بین گردانندگان رژیم - لااقل در سطح منطقه - کردستان - طرفدارانی دارد، هر چند که آنها در درون رژیم در اقلیت بسر می برزند.

این سیاست رژیم در مراحل اولیه موفقیتی بدست نیاورد. چرا که هم رژیم و عواملش و بهتر از آنها بهره ها و خود فروختگان مجلسی اش بخوبی میدانند و دریافته اند که خلق کسرد

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

یکپارچه و متحد در تلاش برای حقوق خود و سرنگونی رژیم فقها است تن به هیچگونه سازشی با او و عوامل دست نشانده گانش در هر شکست و لباسی نخواهد داد و وری آن چه کینه عمیقی نسبت به خلق فرریشان (جاشها) در دل آنها موج میزند • هم اکنون نیز با وجود اینکه شواهدی مبنی بر ادامه تلاش رژیم در این زمینه در دست است ولی این سیاست برای او موفقیتی در برسر نداشته است •

در ادامه این تماسها و مذاکرات و عوامل رژیم طرح دیگری را مطرح میکنند • مضمون این طرح بدین قرار است که • این افراد از طریق رابطه همان بادوستان و آشنائی هایی که در جنبش دارند تلاش کنند که موجی را برای تسلیم و روی آوری بسوی رژیم و از آن طریق ایجاد یک تشکیلات سیاسی دست نشانده به حرکت در بیاورند و رژیم نیز در ادامه آن با وجود آمدن تشکیلات مذکور آنرا به رسمیت بشناسد - به عنوان نمایندنده مردم کردستان - و طرح مذاکره را برای حل سیاسی مسئله کردستان در ارتباط با آن پیش ببرد تا بدین وسیله بتواند از سوئی جنبش را در چار شکاف کرده و از سوی دیگر بر مبنای آن در سطح توده ها در کردستان و سراسر ایران دست به تبلیغات زده و به خیال خویش برای خود پیروزی های سیاسی کسب کند •

البته رژیم نیز خود را اساساً از هر

شیوه ای برای پیشبرد این سیاست بهره می جوید • فشار بر روی خانواده پیشمرگان و تنطیم آنها بوسیله عوامل میزدورش در مناطق بر روی پیشمرگان شیوه های رایجی است که رژیم برای این مقصود خود در پیش گرفته است •

رژیم در حوزه های دیگر نیز این سیاست خود را تعقیب میکند که یکی از آنها تلاشها ی است که اخیراً برای تماس با برخی از افسران و عناصر مقیم اروپا می نماید • و در این رابطه نیز تاکنون نیز موفق به برقراری تماسهایی شده و بناگفته نماند که از این سیز تاکنون نتیجه ای عایدش نشده است •

چنانکه در بالا نیز اشاره کردیم • رژیم در پی شکستهای سیاسی اش در کردستان و ناتوانی اش از سرکوب جنبش انقلابی خلق کرد که با صلابت و مقاومت یکپارچه توده های این سرزمین روبرو است • ناچار از اتخاذ چنین سیاستهایی است • رژیم که بخوبی دریافته است که نمیتواند پیشمرگه را در سرزمینی که خود پرورانشده آن است نابود کند • رژیمی که میدانده توده های این سرزمین باندره ذره توانشان از این مبارزه حمایت میکنند • پیش از تحمل شکست های فراوان دست به دامان واماندهگان و فراریان از سنگرمبارزه انقلابی میشوند تا بدینوسیله بلکه بتوانند به سیاستهای خود جامه عمل ببوشاند • و با آلوده کردن جنبش به روحیات تسلیم طلبانه و با شنیدن تخمهای سونامیدی جنبش مسلحانه

ضعف و نابردی بکشاند و در ادامه آن عرصه
 روشهای دیگری باره اندلایی را سرکوب نماید.
 سوی دیگر نیز با بهره برداری سیاسی از این
 اتود، های خلق کردن دچار تردید و متزلزل
 رده و آنها را به عذاب نشین براندازد. چرا که سه
 برین میدانند که تازمانی که این جنبش بر راه
 ت وارثین جمهوری اسلامی آشنا برای همه
 ت. چیزی عایدش نخواهد شد. حال آنکه
 رتوانی بیش از این داشت. به این درگیری
 نثار گرفته از من شد. اما نباید از اینک ما عیبت
 سهرری اسلامی برای همه مردم کرد. ستان
 شن است در مصروف بهار زه این خلیف
 نزمند و بریده گانی که به خلیف
 رد پشت میکند. کسی را نمیتوان یافت که تن
 سیاستها و حاکمیت آوردند. رژیم کسی
 تن قادر به اجرای ناطقانه و فرمایشی
 تلاپی هم نیند. باز هم اکثر شکست پلاناصله
 یاست اخیر خویشتن نیز بر همگان آشکار است.
 پس باید با تبایع و تاکید بر ثوران مبارزاتی
 جنبش خلق کرد و اتشای زوینی و نایوانی های
 نیم تلاشهای اخیرش را - تلاش برای ایجاد
 حزب دست نماند - افشا کرد و همواره
 را این تاکید کرد که در پیش گرفتن چنین سیاست
 نای از سوی رژیم از موضع ندرت نبود.

بلکه بیانگر ناتوانی اش در برخورد با مسئله
 کردستان است. در این میان افراد و عناصر
 خود فروخته ای که تحت هر عنوان تن به
 همکاری با رژیم دهند - کسانی در تبیین و
 پیشبرد سیاستهای پیمکوب رژیم در کردستان
 نقش فعال را برای رژیم بازی می کنند - باید
 بدانند که جنبش خلق کرد از انسروی و
 توان فرزندان جان پرکن نیروی گیرد که
 برای تحقق آرمانهای خود و رهائیس
 خلقشان یک لحظه دست از سلاح بر
 نخواهند داشت و تا آخرین قطره
 خون نیز از دستاورد ها - این
 مبارزات دفاع خواهند کرد.
 سز و شت محترم آنها و همه
 کسانی که به خلق خود پشت کنند
 و در کنار رژیم به سرکوب آن
 بپردازند همانند دیگر مزدوران
 رژیم خواهند بود و جنبش انقلاب
 کردستان نیز هیچگاه چنین اعمال
 را پس باسخ نخواهند گذاشت.

حق تجبین سر نوشت، حق مسلم خلقهاست

اعتصاب ۲۷ هزار کارگر ساختمانی ذوب آهن

در سال ۶۱ طرحی از طرف مدیریت بنام "تعاون کارگران" برای بخش ساختمانی مطرح شد که با مقاومت کارگران و درگیری در مقابل دراصلی فولاد شهر که ضربه د سنگیری بخشی از کارگران شد، بود مواجه گشت. نتیجه این که این طرح با عقب نشینی مدیریت به تعویق افتاد. تا اینکه در آبان ۶۲ در بخش پایگاه صنعتی ذوب آهن یکی از عوامل کارفرما طرح تعاونی بودن کارگران را در باره مطرح ساخت که بدون درنگ با اعتصاب حدود ۵۰۰ نفر از کارگران این بخش مواجه گشت. خبر اعتصاب کارگاه صنعتی فوراً به سایر بخشهای ساختمانی سرایت داد. و ۲۷ هزار کارگر ساختمانی در بخشهای مختلف ذوب آهن دست از کار کشیدند. اعتصاب از روز یکشنبه ۲۰ آبان تا سه شنبه ۲ آبان ادامه داشت. که با حمایت کارگران ساختمانی فولاد شهر و کارگران ساختمانی ذوب آهن در مجتمع فولاد مبارکه و بخش بهره برداری قسمت کوره بلند و کوره سازی برخورد ارگشت. کارگران با تشکیل مجمع عمومی آزمایش خود نمایند و انتخابات نمودند و از شهرداری مدیریت شرکت خواستند که در باره این طرح توضیح دهد. و در روز سه شنبه ۲ آبان مجمع عمومی تشکیل گردید و نمایندگانی که کارگران ساختمانی را بطور با ساختن ذوب آهن نموده اند، بردارند. و از مدیریت ذوب آهن خواست که در این باره توضیح دهد. مدیریت در باره تاریخچه ذوب آهن و طرحهای که در باره کارگران ساختمانی وجود داشت صحبت نمود. و سه طرح را عنوان نمود (۱) طرح تعاونی کردن کارگران (۲) فرستادن کارگران به پروژه های دیگر (۳) استخدام کارگران دیگر که من با طرح سوم موافقم. نمایندگانی که کارگران سخنان مدیریت را مبهم تلقی کردند و خواستار شد که کارگران وضعیت فعلی خود باشند و طرح توسعه ذوب آهن اجرا گردد و از مدیریت خواست که اطلاعات بیشتری از مقامات بالاتر در رابطه با این مساله در اختیار کارگران قرار دهد. که اینصورت ۵ روزه به مدیریت داده شد که موسس باید ولت مطرح شود. مطرح مدیریت در باره استخدام کارگران مشخص نیست. آیا سابقه کار به حساب می آید یا نه؟ آیا بعد از استخدام باید به شهرهای دیگر منتقل شوند یا نه؟ جواب این مسائل توسط کارگران از مدیریت خواستند. شد و قرار شد که جواب در تاریخ ۷/۶/۶۳ داده شود. کارگران تهدید کردند که در صورت عدم دریافت پاساژ اقدام خود را ادامه خواهند داد.

توسیع جوهر طرح تعاونی اخراج ۲۷۰۰۰ کارگر ساختمانی تحت پوشش ایجاد کار در زیرین از کارخانه میباید که مدیریت از برداختن و بازگشتن به کارگران معاف خواهد کرد. این در حالی است که بخش اعظم کارگران ساختمانی از شروع پیدا این ذوب آهن در این کارخانه جوانی و زندگی خود را صرف ساختن ذوب آهن نموده اند.

"فولاد"

(ارسالی از نشریه "فولاد" به سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - اصفهان)

اعلامیه کمیته اصفهان

به کارگران مبارز و بآمن کارگران مبارز رژیم جمهوری اسلامی پس از انقلاب ۵۷، تنها خواسته های کارگران را اجرا نمود، بلکه به دست آوردن های مبارزات کارگران در دوران انقلاب یکسازد دیگری تعرض نمود است. رژیم جمهوری اسلامی به این هم اکتفا نکرده به دست آوردن های مبارزاتی کارگران در دوران ستم شاه، نیز حمله نمود، دست و پا زد و نه تنها از کارگران در بآمن در این رابطه می باشد. رژیم جمهوری اسلامی بدست است که کمر محکم بسته است که بحران اقتصاد ایران از جیب کارگران و زحمت کشان و بیست کارفرمایان و مدبریت سرمایه داران محترم حل نماید. یکی از اهداف دولت رژیم طرح تعالی کردن کارگران می باشد که با مبارزات قهرمانانه شما در سال ۶۱ به عقب نشست. این طرح اولین و آخرین تعرض به حقوق و نیازهای شما می باشد. اگر امروز بخش ساختمانس بود تعرض قرار میگیرد فردا در بخش بهره بردار است. از این روی می باید و گیری از تعرض رژیم به حقوق کارگران میباید. رگر رژیم از بیای و غنا سفته خود داشته باشد. بدوون آگاهی و تشکیک رژیم جمهوری اسلامی نه تنها حقوق صنفی - اقتصادی را از ما خواهد گرفت بلکه حقوق نهائی را نیز از ما سلب خواهد کرد.

طالبات کارگران و بآهن

۱- تشکیل مجمع عمومی در روز تعیین شده

۲- مذاکره با مدبریت باید عملی در مجمع عمومی صورت گیرد. مثل مذاکره با مدبریت برای توضیح طرح تعاونی

۳- آگاه کردن بخشهای دیگر و بآهن مثل بهره برداری و این که امثال این طرح فردا در انتظار شماست.

۴- انتخاب نمایندگان از بخشهای مختلف ساختمانی

وایسته های کارگران

۱- لغو طرح تعاونی کردن کارگران

۲- اسحدام رسمی مشروط به اینکه

الف - سابقه کار محسوب گردد

ب - بنا به التواوت پرداخت گردد

ج - طرح توسعه و بآهن اجرا گردد.

کارگران مبارز و بآهن نمایندگان سنگا معها، کوره ها، ماشین ها از بازوان بتوان شباهه حرکت کنند. آید شما را این مبارزه چیزی جز زنجیر اسارت را از دست نمیدهد. متحد شوید.

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) کمیته اصفهان

۶۲/۸/۲۸

تفلا، آزادی، حکومت شورائی

اخباری از جنبش کارگری و توده‌ای سراسری

به نقل از نشریات منطقه ای وابسته به سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

● **اعتصاب کارگران کانادای ***
● **مقاومت قهرمانانه، جدالی ناپرر**

* کانادای، کوکاکولا، سن آبی و جوعه *
با داشتن نزدیک به چهار هزار نفر کارگر در سه شیفت یکی از کارخانجات بزرگ چاد، قدیم کسج و در جوار کارخانه شیشه و گاز می باشد. کارگران این کارخانه نیز مانند سایر کارخانجات از کمبودها و خفقان حاکم بدست مدیران وابسته به "بنیاد مستضعفان" رنج می برند. مدیریت این کارخانه در دست مختلف به بهانه های جنگ و کاهش تولید از پرداخت پاداش افزایش تولید خودداری می نماید. امسال نیز مدیریت اعلام می کند بدلیل کاهش تولید در چهار ماهه اول سال، پاداش پرداخت نخواهد شد، و این

در شماره ۶ نشریه "راه کارگر" خیر
اعتصاب قهرمانانه کارگران کانادای درج گردید. پس از آن با دریافت نشریات منطقه ای سازمان و دیگر گزارشات خبری زوایا و نکته های مهمی از حرکت انقلابی کارگران بطور کاملتر انعکاس داده شده است. ما بدلیل اهمیت این اعتصاب و قهرمانیهای کارگران در شرایط سرکوبناپذیری کنونی حاکم بر میهنمان، با استفاده از عمدتاً نشریات "اتحاد کارگران" شماره ۴ و "اتحاد سرخ" شماره ۱ گزارش خبری زمر را تنظیم کرده ایم؛
شرکت سامان تولید کند، نوشابه های



نردی عند انقلاب، منافق و کزنیست، حرف او را گوش نکشید، او میخواهد اخلال و آشوب کند. کارگران گول حرفهای انجمن اسلامی را نخورده، بعد از ناها ر دسته جمعی با دادن شعار مرگ بر سه نمسیدین (اسم سه تن از روسای کارخانه) به تمسها پرمیگردن و بقصد گرفتن پاداش دست از کار کشیده اعتصاب مینمایند. کارگران شیفت ۲ نیز از عمل انقلابی کارگران شیفت ۱ دفاع کرده و بقصد گرفتن پاداش افزایش تولید و دیگر خواستها دست از کار کشیده و به اعتصاب می پیوندند، کارگران از خروج کامیونهای نروس از کارخانه جلوگیری بعمل میآورند. نردای آتریوز ۲ نفر از داد ستانی بهمرا ه تعداد زیادی یاسدار به کارخانه می ریزند و کارگر مبارزی که جرعه اعتراض همگانی را زده بود و سر کارگر مبارز دیگر را دستگیر می نمایند و با ایجاد جو رعب و وحشت سعی می کنند کارگران را به سرکار برگردانند، اما کارگران که خشم يك عمر ستمدیدی و حقارت را در دل داشتند به سرنمایندگان داد ستانی ریخته و آنها را گروگان میگیرند و اعلام میکنند در صورتی آنها را آزاد می کنیم که ۴ کارگر مبارز را آزاد کنید. یاسداران سربازیه از این جو بهم ریخته استفاد کرده و بداخل سالنها هجوم می آورند و به تیراندازی بطرف کارگران نمایندگانه

در حالی بود که کارگران بدلیل گرم بودن هوا تولید را افزایش داده بودند. آنان که مشاهده کرده بودند که کارگران کارخانه شیشه و گاز در سایه مبارزانشان از حقوق و مزایای بیشتری نسبت به خودشان برخوردار نازند، تصمیم می گیرند از مبارزات آنها ستمشوق گرفته و در مقابل ندادن پاداش اعتراض نمایند. در ابتدا اعتراضات بصورت نردی و پراکنده صورت میگرد. در تاریخ ۲۶ تیر ماه، یکی از کارگران پیشرو و مبارز بالای میز ناها ر خوری رفته و با صدای بلند می گوید: "کارگران شما همگی با سر ای می شناسید. من حدود ۱۴-۴۵ سال است که در اینجا کار می کنم و نه ضد انقلاب هستم و نه چیز دیگری الان میدانم که ما چندر تولید داریم و بدانم که سال گذشته حدود چندین ملیین تومان سود داشته ایم. اما مدیریت حق ما را میخورند و پاداش افزایش تولید نمی پردازد. کارگران پس از شنیدن حرفهای او به جنب و جوش آمده با تصدیق گفته های کارگر مبارز، اعلام میکنند مدیریت باید به پاداش پرداخت کند. انجمن اسلامی کارخانه که از شور و آگاهی آنان برخوردار افتاد، پرد به ناها ر خوری آمده و خطاب به کارگران میگوید: ما این کارگرا می شناسیم و مدتی است او را تحت نظر داریم و

داد ستانی را آزاد می نمایند. به گفته شاهد ان
 از کارگشید وند ای جبروح می گردند کارگران با
 بطریهای شکسته نوشابه به جنگ یا سد اران
 سراپا مسلح می روند و کارخانه یکبارچه صحنه
 مقاومت و نبروانان با یا سد اران می گردد. با سد اران
 که مبارزه و سرسختی همگانی کارگران را مشاهده
 می کنند و عقب نشینی می نمایند. کارگران بعد از
 تعطیلی ۵ شبه و جمعه در روز شنبه همراه با زن
 و بچه های دستگیرشدگان و زخمیها به کارخانه
 آمد و همچنان اعتصاب را ادامه می دهند. روز
 سه شنبه ۲ مرداد ماه "صانعی" داد ستان
 انقلابیه کارخانه آمد و برای کارگران سخنرانی
 می نماید و می گوید: "ما حامی مستضعفین هستیم
 اما الان جنگ است و باید سختیها را تحمل کرد."
 یکی از کارگران از وسط سالن بلند شد و فریاد میزند
 این "صانعی" اصلا ایرانی نیست! او در رومادرش
 مغول هستند و خردش خونخوار و آدمکش است."
 یا سد اران "صانعی" برای دستگیری این کارگر
 بمیان کارگران حمله ور میشوند اما با مقاومت کارگران
 روبرو شد و کارخانه بارد یکرصحنه درگیری میشود
 کارگران مجدداً با سد اران "صانعی" را دستگیر
 کرد و وسائل را تحت کنترل خود می گیرند. "صانعی"
 که موافق به فرار میشود از مرکز تقاضای کمک می کند و
 در زمانی کوتاه ۵۰۰ یا سد اران مسلح بداخل کارخانه
 ریخته و شروع به تیراندازی می کنند و بار دیگر سر
 تعدادی شهید و مجروح میشوند و حدود ۳۰۰
 کارگریزد دستگیر میشوند از فردای همان روز کارخانه

شروع تعطیلات تابستانی را اعلام میکند، اما کارگران
 بهسرا، خانوادها و مجروحین دستگیرشدگان
 در روزهای ۵ شبه و جمعه ۴ و ۵ مرداد ماه مجدداً
 بکارخانه می آیند لکن در همانجا از طرف یا سد اران
 سرعاً متفرق میشوند. بعد از تعطیلات تابستانی
 داد ستانی درد اخل کارخانه شعبه ای د اثر میکند
 و هر روز تعدادی از کارگران مبارز را به دستر فرست
 میخوانند که در آنجا یا سد اران و یک نفر بنوان باز
 جو مستظر کارگران مبارز بودند. بهنگامیکه کارگران
 فراخوانده شدند و وارد اتاق می شدند باز جوسوال
 میکرد و که چرا اعتصاب کردید، بکنه یا مدیر نیست
 این بود که ما اعتصاب نکردیم بلکه ما مدیر نیست
 اختلاف داشته ایم که حق ما را زمینداد و ما سعی
 در گرفتن حق خودمان داشته ایم. باز جوسوال
 میکرد که چرا به خمینی فحش دادید که کارگران
 شکر فحش دادن بودند و زمانیکه بازجویی به اینجا
 میرسید یا سد اران به کارگر حمله کرد و رشید او
 را مورد ضرب و شتم قرار میدادند و سپس کارگر خون
 آلود را به کمیته برد و بد و باره مرد آرا و شکجه
 قرار میدادند و شکجه کارگران از شلاق خوردن تا
 گداشتن تنگ روی شقیقه و مجبور کردن آنها بیه
 نوشتن وصیتنامه و محضرها ی یک ادامه می یانته
 و سرانجام آنها را مجبور به امضا تعهد نامه ای
 میکردند که حق نزد یک شدن به کارخانه رانداشته
 و آنها را از کارخانه نیز اخراج میسایند. گرچه تعداد
 از کارگران آزاد شدند، اما تاکنون تعدادی از
 کارگران در زندان بسر میبرند.

تیراندازی بدلت مرد کم که در نتیجه سه زن و مرد کشته و حدود ۲۰۰ نفر زخمی شده و حدود ۵۰ نفر از مردم دستگیر می‌شوند. بعد از این واقعه روحیه اعتراضی مردم اوج بگیرد و جمع‌های گوناگون بر علیه رژیم علناً صحبت می‌کنند. روز جمعه بعد از واقعه بحالت عدم استقبال مردم از نماز جمعه رژیم دست به تبلیغات گسترده‌ای می‌زند و بالای یک وانت بلند کونصیب کرده و در کوجه پس‌کوچه‌ها شمار می‌دهد و از مردم با عنوان "مردم شهید پرور" و "مردم نمیشوند در صحنه" برای شرکت در نماز جمعه دعوت به عمل می‌آورد ولی هیچکس به تبلیغات رژیم گوش نداد و نماز جمعه را تحریم می‌کنند.

(به نقل از نشریه "کارگران انقلابی غرب تهران" (۷) - وابسته به سازمان)

● مقارنت کمابارگران راه آهن در برابر اخراج همکارانشان

در روز جمعه هفتده آخر ماه رمضان (روز قدس) دولکومونیو در راه آهن تهران، بر اثر یک سانحه بهمدم یگر برخورد می‌کند و خسارات قابل توجهی بیامی‌آید. مسئولین راه آهن چند نفر کارشناس را برای ارزیابی میزان خسارات و علت وقوع حادثه به محل می‌فرستد. آنها کمپوزارتر می‌دهند که این تصادف بطور عمدی صورت گرفته و مسئولین برای تهدید کارگران از فرصت سوءاستفاده کرده و می‌گویند: چون روز قدس بود.

حبر اعصاب کارگران مبارزان را خانه "کانادا دران" سریناد رستخ جاسمه بحر کرد یه در کارخانه دیره با حضرت حبر اعصاب و کارگران احساس بر عزیرتادی می‌کردند. به دیار دنا ر دسترس نیهای اکثر کارخانه‌ها سمارهائی بنی برشتیایی و در بر د کارگران اعتصابی شرکت ساسان نرشته شد. کارگران دیکر کارخانه‌ها در صحنه‌های هر چند کوچک خود و در سرویس‌ها خبر اعتصاب را نقل نموده و می‌گفتند باید از آنها پشتیبانی کرد. (نقل از نشریه (راه کارگر) - ارگان سیاسی سازمان)

● اعتراض مردم نیروزکوه به اعدام یک جوان انقلابی

از احر مرداد ماه در نیروزکوه، یک جوان انقلابی که مراد یکی از جریانات سیاسی بود، در سنگیری بعد از سه روز حکم اعدام او صادر می‌شود. روزنامه‌ها و روزنامه‌ها می‌کنند. مردم نیروزکوه برای تسلیح جنازه جوان انقلابی کرد می‌آیند و این مراسم به تظاهرات علیه رژیم تبدیل می‌شود. در این تظاهرات شعارهای مرگ پراسدایر و مرگ برحیسی داد می‌شود. پاسداران در حالت کرده و سعی می‌کنند با تیراندازی عوانی مردم را بشن کنند ولی مردم عصبانی شده و به پاسداران را بشن می‌آورند و چند نفر از آنها را زهرشت و ندد خود رخصی می‌سازند. پاسداران اقدام به

راهیهای مردم بر وجه

در اعتراض پسه پاسداران

حدود ۲ ماه قبل دست کمیته چای های

بر وجه که با قاچاقچیان مواد مخدر سر و سری

داشتند و خود از عوامل پخش و فروش مواد مخدر

بودند و برای مردم باز میشود . به همین خاطر

مردم اعتراضاتی خود را در هر جمعی بشکل افشا

گری ابراز می کردند . تا اینکه روز بروز اعتراضات

مردم شدت بیشتری می گیرد . سپاه پاسداران

ناچار می شود و قبل از اینکه مردم اقدامی بکنند

رئیس کمیته و معاونش را دستگیر کرد و چند

نفر دیگر از کمیته چای ها را در ارتباط با مسائل

مربوط به قاچاق و مواد مخدر زندانی نماید .

سپاه از مردم معترض می خواهد که آرایش خود

را حفظ کنند و اگر شکایتی دارند ، بیایند و شکایت

خود را تسلیم دادگاه نمایند . مردم که همه

شاکتی و معترض بودند در دسته های ۵ - ۴

نفری برای شکایت حرکت می کنند . در مجلس

شکایت حدود ۶۰۰ - ۵۰۰ نفر جمع می شوند و

که کم کم تعدادشان به ۱۵۰۰ - ۲۰۰۰ نفر

می رسد . جمعیت بطور خود بخودی به حرکت

در می آیند و این حرکت شکل تظاهرات خود

میگیرد . در همین تظاهرات شعار مرگ بر

"جمهور" (جمهور اسم معاون کمیته می باشد) و

رانندگان لکوموتیو می خواستند با استفاده از این

تصادف ساختگی دست به خرابکاری بزنند و بر

اساس این گزارش (کارشناسها) پرونده ای بر

علیه رانندگان لکوموتیو تشکیل داد و هر دو را

بلافاصله اخراج می کند . کارگران دیگر که این

خبر را می شنوند بعضی از آنها نیز شاهد تصادف

بودند و یقین داشتند این حادثه عمدی نبوده

است و شدت خشمگین شده و همگی دست با

اعتصاب می زنند و اعلام می کنند "تارنقای اخراجی

ما به سرکار برگرداند و نشوند" اما قطارها را

حرکت نخواهیم داد و حداکثر تا پنج کیلومتر سه

خارج تهران خواهیم برد . مقامات مسئول

سعی می کنند با تهدید اخراج و ایجاد رعب و

وحشت رانندگان راه آهن را به سرکارها نشان

برگردانند ولی این توطئه در برابر اتحاد کارگران

راه آهن که بطور یکپارچه دست به اعتصاب

زده بودند شکست خورد و مجبور به عقب

نشینی میشوند و سرانجام کارگران اخراجی به

سرکار برمیگردانند .

(به نقل از نشریه "کارگران انقلابی غرب

تهران" (۵) - مرداد ماه ۶۳ - وابسته

به سازمان)

پیشی بسوی سازماندهی مرمونی طبقه کارگر

زن را از آن سبکدوشی باشد نگوییم، اعتراضات مدیريت کارخانه بعد از تقریباً آهنگ از اجرای طرح ضد کارگری فوق بشطور جدی گیری از اعتراضات در نتیجه جمعی کارگران موثراً اضافه کاری ۱۲ ساعته را لغو و بجای آن تعطیلاتی ۳ روز هفتای پنجشنبه را به نفع جبران تعطیلات تابستانه مدعی گردیدند.

پارلین:

در کارخانه پارلین در طی ۶-۵ ماه گذشته حدود ۲۰ کارگر زن بدلیل سخت بودن شرایط کار اقدام به استعفا نمودند. مدیريت کارخانه برای اینکه از پرداخت حداقل مبلغ بازخريد خلاص شود از قبول استعفا کارگران امتناع می ورزند تا کارگران مجبور شوند بدون دریافت بازخريد از کارخانه بروند. اکنون سیاست فشار بر زنان کارگر تا بدان حد رسیده که در این کارخانه زنان را از شیفت روز به شیفت شب منتقل می کنند که با مخالفت سرپرستها و هم چنین کارگران روبرو شده است. به دنبال این مقاومتها، مدیريت از سرپرستها خواهان آن شده است که کارگران زن را از یک قسمت دیگر کارخانه که کارش سبکتر است منتقل نمایند که باز هم با مخالفت سرپرستها مواجه شده است. (به نقل از «سیاس زحمتکشان» (۶) - شهرریور ۶۲ - آرگمان هراتاران سازمان - گیلان)

در ادامه به عمارت مرگ بر رئیس جمهور به سی رئیس کمیته و کم کم پس از مرگ بر خانه ای بزرگ بر خمینی تبدیل میشود. این تظاهرات تا ظهور آن روز ادامه می یابد. نیروهای مسلح از او در حام جمعیت وحشت کرده و وحرد را کنسار می کنند. تا اینکه راهپیمایی خاتمه می یابد. مردم با یکدیگر برای تجمع راهپیمایی در محل دیگری برای ساعت ۲ بعد از ظهر قرار می گیرند، اما با سداران که در این فاصله نیروهای کمکی از شهرهای مجاور گرد آورده و در نیمه جای شهر مستقر شده بودند، مانع جمع شدن مردم می شوند و اجازه حرکت مجدد را به مردم نسید دهند. بعد از آن بمدت چند روز تظاهرات موضعی در شهر میروجر ادامه می یابد. از آن تاریخ به بعد در کمیته ها بسته می باشد.

(به نقل از نشریه "کارگران انقلابی غرب تهران" (۷) - وابسته به سازمان)

فشار مستقیم بر

زنان کارگر

ایران پولیس:

در ادامه کمپین رژیم فاشیست ایران در کارخانه برای اجزای زنان از کارخانه دست به حیلعه های گوناگون می زنند. در کارخانه ایران پولیس لاین کارگران زن را مجبور به انجام اضافه کاری بمدت ۱۲ ساعت می نمایند و در صورت عدم پذیرش آن وحتى کوچکترین اعتراض به آن، کارگران

● اعتصاب در کارخانه

جنرال صنعتی

کارخانه جنرال صنعتی حدود ۱۲۰۰ کارگر

دارد و سازنده انواع آب سرد کن و آب گرمکن و بخاری می باشد. این کارخانه روبروی کارخانه جنرال استیل قرار دارد. کارگران این کارخانه در تاریخ ۲۰/۴/۶۳ بشکل دریاقت حقوق و پاداش افزایش تولید به حسابداری مراجعه می کنند و ولی مشا هده می نمایند که هیچگونه پولی بعنوان پاداش که سالانه در سه نوبت پرداخت می شود، در لیست تعیین نشده است. بهر رو پخش این خبر در سراسر کارخانه و کارگران دسته دسته به دفتر مدیریت مراجعه کرده و خواهان توسیع در مورد عدم پرداخت حوا افزایش تولید میشوند. مدیر کارخانه مهندس زرگر میگوید که سود چهار ماهه اول کارخانه را برای تامین بخشی از تسلیحات جنگی و هزینه های جنگ بچپه ها ارسال کرده ایم و کارگران در پاسخ به وضعیت فلاکت بار زندگی خود اشاره کرده و به این تصمیم ضد کارگری شدید اعتراض میکنند بهر رو که کارگران بخشهای مختلف کارخانه از این اقدام مدیریت مطلع میشوند و به سبب یا فشاری کارگران در دریافت حق افزایش تولید که بخشی از حقوقشان می باشد و اسرار مدیریت تصمیم خود کارگران را خشکین ساخته و مجرمه توفد تولید از طرف کارگران میشود. اعتصاب بدت ۳ روز

یعنی تا روز سه شنبه ۲ مرداد ماه ادامه یافته و کارگران روز سه شنبه به اعتصاب خود پایان داده و تولید از سر گرفته میشود. (به نقل از "اتحاد کارگران" (۴) مهر ماه ۶۳ نشریه محل جنوب غرب تهران وابسته به سازمان)

● پیروزی کارگران تولید دارو

حدود او اخر تیر ماه کارگران يك قسمت از کارخانه در برابر اخراج یکی از کارگران که با سرپرست قسمت درگیر شده بود و تهدید به اعتصاب میکنند و که مسئولین کارخانه با وحشت از وحدت کارگران از اخراج کارگر مزبور صرف نظر میکنند. کارگران طبق معمول، زمانی که بوی بد ناشی از سوختن مواد تولید شده بوجود می آید و برای جلوگیری از اثرات سوء آن بر سلامتی کارگران، دست از کار میکشند و محل کار را ترك میکنند و تا بعد از ناپدید شدن بوی دویاره مشغول به کار شوند. سرپرست قسمت که عامل مزبور مسئولین کارخانه است برای خود شیرینی و بدین اقدام کارگران اعتراض میکند و بعنوان تهدید کارگران، کارت کارگری را ضبط مینماید و بوی و همه کارگران توهین میکند. کارگر مزبور با سرپرست درگیر میشود و کارگران قسمت فوق نیز برای حمایت از همکارشان دست



که يك منطقه زحمتکشان نشین میباشد، از بدتها پیش زحمتکشان برای خود سرناهی ساخت و میسازند. در اوایل آبان ماه ۶۲، ماموران شهرداری بمنظور تخریب خانه‌ها بمنطقه می‌آیند که در اثر مقاومت زحمتکشان زیاد رگیری بین ماموران شهرداری با مردم و ماموران شهر داری مجبور بفرار میشوند. شب حادثه همانروز پاسداران بمنطقه وارد میشوند. لازم به توضیح است که زحمتکشان از قبل ورود شبانه پاسداران را پیش بینی نموده و با خود فرار میگردانند و شب پاسداران آمدند، یکفرالله اکبر و قییه با صدای الله اکبر از خانه‌ها بیرون بیایند. کتبه بیگ نشین صدای الله اکبر و مردم از خانه‌ها بیرون ریخته و با جوب به پاسداران حمله میکنند. مزدوران رژیم وحشت کرده با بفرار میگذارند. پس از ساعتی در همان شب پاسداران مزدور و باره بمنطقه برگشته و مردم را بمسجد دعوت می‌کنند. مردم به مسجد رفته و پاسداران به آنان میگویند: ما برای حمایت از شما آمده بودیم و نه برای سرکوب شما! مردم که میبینند، پاسداران عقب نشینی کرده اند، میگویند: خیلی خوب و ما را با شما کاری نیست و شما بروید. پارفتن پاسداران مردم شبانه و با سرعت تمام به ساختن خانه‌ها ادامه میدهند.

(از اخبار ارسالی نشریه "یک کارگزاران" وابسته به سازمان)

به اعتراض میزنند و میگویند: این مسئله مربوط به يك یا دو نفر نیست و مربوط بهمسه کارگران است و در این مواقع همه دست از کار می‌کشیم و اکنون نیز تا موتعی که همکارمان به سرکار برنگردد، ما همگی کار نخواهیم کرد. سرپرست به کارگر مزبور می‌گوید: حلالا من کارت را ضبط میکنم و نمی‌گذارم ساعت بزنی تا تکلیف مشخص شود. بعد از یکساعت کارگر مزبور را بدنترا حاضار میکند. همسه کارگران از کارگر مزبور حمایت می‌کنند و مسئولین کارخانه از ترس کارگران وی را به سرکار بر میگردانند. بعد از یکی دو روز جلسه‌ای توسط مقامات مسئول کارخانه برای بررسی مسئله تشکیل میشود و در نتیجه بعد از قدردانی از باصلاح زحمت سرپرست، از نحوه برخورد و صحبتش با کارگران انتقاد میشود و کارت کارگر مزبور به او پس داده می‌شود و همچنین بخاطر توهینی که به کارگران شده بود عذر خواهی می‌نماید و به کارگر مزبور می‌گویند: اصلا سرپرست حسی ندارد که کارت شما را ضبط کند و این در حیطه اختیارات سرپرست نیست.

(به نقل از نشریه "کارگران انقلابی غرب تهران" (۵) - مرداد ماه ۶۲ - وابسته به سازمان)

مقاومت زحمتکشان در مقابل

سأوریس تخریب

در خانه نظامی واقع در جاده طبرستان

باشد .

جنبش انقلابی توده هاد رایران با حکومتی درگیر است که در زمینه حقوق زنان حتی حاضر بد پذیرش حقوق فرمالیستی بورژوازی که اکنون در اکثر ممالک ارتجاعی نیز رعایت می شود نیست و این ویژه گی مسئله زن و دفاع از حقوق اجتماعی آنان را در برابر ارتجاع قرون وسطائی رژیم اسلامی بدل بد یکی از مسائل و محورهای مهم مبارزات د میکراتیک کرده است . پس در جنسیس شرایطی بایستی با تاکید بیشتر شرایط را برای شرکت هر چه بیشتر و همه جانبه تر زنان در مبارزه فراهم کنیم .

و اما در جنبش مقاومت و مبارزه مسلحانه بعنوان شکل اصلی مبارزه مردم علیه رژیم جایگزین ویژه ای دارد . در این عرصه نیز مانند پیشه عرصه ها بایستی از توان و انرژی ای که شرکت زنان به جنبش می افزاید استقبال کرد و برای گسترش فعالیت زنان در این زمینه کوشید مغالب در مخالفت با شرکت زنان در مبارزه مسلحانه در کردستان به تفاوت های جسمی و وضعی بدنی اشاره می شود . تفاوت در توان جسمی بین زنان و مردان یک مسئله روشن و واقعیه است اما این تفاوت نباید چنان مؤثر بحساب آید که شرکت زنان در این زمینه از مبارزه راتحاد الشعاع قرار دهد ، مگر نه اینکه این تفاوت در مورد کار و فعالیت معیشتی نیز وجود دارد ولی پاسخش این نیست که فقط مردان کارکنند

پیا میخ به نامه ها

نامه ای با امضاء كاك محمود از ناحیه بانسه بد متمان رسیده و ایشان دو سوال مطرح کرده اند .

سوال اول : نظر شما زمان شما درباره پیشمرگتیب برای دختران چیست ؟

جواب : دوست عزیز كاك محمود، زنان بعنوان نیسی از جامعه بشری همواره در همه حیوزه های زندگی يك جامعه نقش داشته اند . هم اکنون در کردستان میتوان براحتی دید که چگونه زنان کرد در وقت همسران خود برادران خود در تمامی فعالیت های اجتماعی چه در تولید و چه زندگی خانوادگی شرکت دارند و مبارزه هم به اعتقاد ما يك حرکت و تلاش اجتماعی است ، و نمیتوان سر نوشت يك جامعه را با مبارزه ای که نیسی از افراد آن جامعه در آن شرکت نداشته باشند تعیین کرد ، و بیایز چنانکه هم اکنون در سر تا سر کردستان می بینیم زنان نه تنها در برابر پیشمرگه بلکه در روستاها و شهرها در تمامی حوزه ها و زمینه های مقاومت و مبارزه علیه نیروها و ارکانهای سرکوب رژیم میزک فعال دارند و این واقعیتی است بیست و بیست که هیچ بیننده ای نمیتواند منکر آن

تمامی مسائل فرهنگی، اجتماعی و حتی سنتها و تفکارتود. هارا با این مبارزه پیوند دهم و بخشش از افکار و سنتهای توده ای که در مغایرت با پیشرفت مبارزه خلق ماست با تلاش پیگیر شیبند دهم و اصلاح کنیم.

سوال دوم: چرا به زبان کردی نشریه نمیدهند؟

کاک محمود انتخاب زبان کردی برای یک نشریه بعنوان بخشی از شکل آن، همیشه در ارتباط با اهداف نشریه و شرایط حوزه بخش و کارکرد آن انتخاب می شود. کمیته کردستان سازمان نشریه ای مخصوص برای این منطقه منتشر میکند. مسلماً بایستی وضعیت علاقمندان و خوانندگان را در نظر بگیریم و متناسب با آن و امکانات خویش نشریه و از آنجمله زبان آن را همین کنیم. از آنجا که شبکه بخش عمده افراد با سواد در کردستان ایران، سواد فارسی دارند و نه کردی و میتوان گفت که اکثر آنها میتوانند براحتی نشریات ما را مطالعه کنند.

بطور کلی مسئله فرهنگ ملی و از آن جمله زبان و خط مادری بعنوان یکی از پایه های پیوند و اشتراك و هویت هر خلقی در راستا مبارزه سیاسی نیز (بعنوان بخشی از حیات یک خلق) در تحکیم، گسترش مبارزه و پیوند توده ها با مسائل سیاسی چنین افزایش اقتدار و توان مبارزاتی

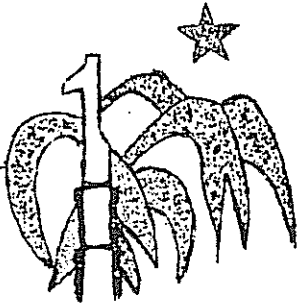
بغیبه در صفحه ۱۱

مردان و زنان دوش به دوش هم زندگی را پیش میبرند حال بر مبنای تفاوت در توانایی جسمی شکل معایت و کارشان متفاوت است. در زمینه شرکت در جنبش مسلحانه نیز درست به همین شکل است. بر مبنای تفاوت های جسمی نمیتوان مانع شرکت زنان شد بلکه این موضوع نقطه میتواند شکل و گونگی سازماندهی آنان را تحت تاثیر قرار دهد.

نکته دیگری که همواره در بین مردم مطرح بود و اهمیت داشته و شاید برای شما نیز چنین باشد رابطه این امر با اعتقادات و سنتهای مردم است. که این نیز یک مسئله واقعی است و کمونیستها و انقلابیون بایستی بدان توجه داشته باشند چرا که سازماندهی و هدایت مردم را وظیفه خود میدانیم و مسلماً بایستی به ویژگی ها، افکار و سنتهایشان توجه داشته باشیم، چرا که بخصوص در جامعه ما این مسئله ویژه گی خاصی دارد و مانع از رسیدن اهداف خود را یاد نظر گرفتن احتمالات توده ها (کسانی که ستون های در جنبش هستند) پیش ببریم. کمونیستها به سنتهای توده ها احترام

میکزنند ولی در عین حال نمیتوانند فعالیت مبارزاتی خود را بخاطر منایرت با سنتها فراموش کنند و در شرایط عملی آنچه که از همه چیز بساری خلق ما مهم است مبارزه در راه اهداف سیاسی از است و بر این مبنای وظیفه ما این است

اول زانویه (۱۱ بهمن)
بیست و ششمین سالگرد انقلاب

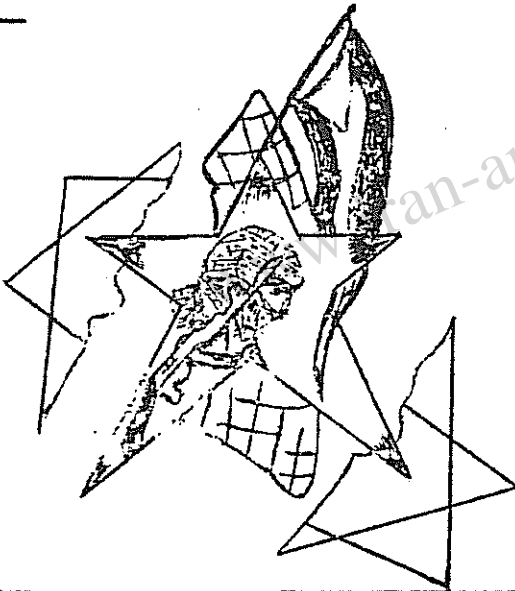


کوبا

۱۹۶۱

و

بیستین سالگرد آغاز
انقلاب مسلحانه خلق



فلسطین

۱۹۶۵

گرامی باد

دوستان و رفقا!

با ما مکاتبه کنید

از هر طریق که می‌توانید
کبکهای مالی خود را بیاورسانید

گرامی بباد خاطرہ تابناک رفقای شهید

علیرضا شکوهی

رحمت اللہ خشتکدامن ، عبدالباقی کاویان
(کاک ناصر) (کاک باقی)

جلال کوکبی ، حمید حسین پیور ، مجید را ستیروان
(کاک کاوه) (کاک جواد) (کاک بابک)

تلاشهای رژیم برای ایجاد احزاب دست نشانده دوکردستان

کرد در این دوره مبارزه پرسیج
وخم ، شرایط ، تحولات و عرصه های
مختلفی از مصاف با رژیم نهارا
آزموده است . این تجربه غنی
همواره توانسته است برای اتحاد
سیاستهای متناسب با شرایط
مبارزاتی نفس برجسته ای را ایجا

عماکس نزدیک به شش
سال از مبارزه انقلابی در کردستان
باتهاجمات رژیم نهار به دست
آورد های انقلابی و حقون خلون کرد
میگذرد و خلن نهاران کرد یکبارجه
در نمایل سیاستهای رژیم نهار
میکنند . تداوم و قدرت این جنبش
رژیمی رژیم در نهار نهار بیان
راصح این واقعیت است . خلن

بها: ۵۰ ریال
بیمه در صفحه ۱۵

پیشنش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر